

«آسیب شناسی غایی و پیامدهای منفی تفسیر عصری با رویکرد نقادانه»

شهربانو عباس زاده^۲ / محسن نورایی^۳ / سید محسن موسوی^۴

چکیده: تفسیر عصری از جمله رویکردهای نوظهور در دانش تفسیر قرآن است که به واقعیتها و نیازهای معاصر توجه نموده و تفسیری معطوف به شرایط و مقتضیات عصر ارایه می دهد. در کنار برخی آثار مثبت این رویکرد تفسیری، مانند همگانی نمودن تعالیم قرآنی، پیاده سازی آموزه های قرآنی، ارایه راهکارهای قرآنی برای مشکلات اجتماعی، پیامدهای منفی این رویکرد نیز حایز اهمیت و سزایند تامل است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا با بیان دیدگاههای مخالفان و نقد بر آنها بر ضرورت تفسیر عصری تاکید و سپس برخی از پیامدهای مهم و آسیبهای اساسی تفسیر عصری را به بحث می نهد. آسیبهای تفسیر عصری در محورهای مختلف مانند آسیبهای روشی، مبنایی و آسیبهای غایی قابل بررسی است. مهمترین آسیبهای غایی این رویکرد تفسیری عبارتند از: دور شدن از بعد هدایتگری قرآن به عنوان هدف اساسی، اثرپذیری از علوم تجربی، جزیبی نگری نسبت به انسان و... توجه به این آسیبها و زدودن آن از ساحت تفسیر عصری سبب ارتقای کارآمدی این تفسیر و افزایش اعتبار آن است. نتیجه این پژوهش در حوزه مطالعات تفسیر و تمدن سازی نوین اسلامی قابل استفاده است. در نتیجه آنچه مفسر عصری را از انحرافات و آسیبهای موجود در این زمینه دور می کند رجوع به سیاق آیات و روایات است. **کلیدواژه:** تفسیر عصری، آسیب شناسی تفاسیر، علم زندگی، هدایتگری قرآن.

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهربانو عباس زاده تحت عنوان «جریان شناسی تفسیر عصری» می باشد.

۲. دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: shabbaszadeh@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. هیات علمی دانشگاه مازندران، دانشیار، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حسن زاده آملی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: m.nouraei@umz.ac.ir

۴. هیات علمی دانشگاه مازندران، دانشیار، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: m.musavi@umz.ac.ir

بیان مساله

تفسیر عصری، شیوه‌ای نو در ارائه مباحث جهان‌بینی و اعتقادی و احکام است که مفسر با توجه به آگاهی‌هایی که کسب کرده و نیازهایی که در عصر خود درک نموده، پیام قرآن را شرح می‌دهد. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۲۴) وقتی تفسیری براساس رویدادهای زمانه و مربوط به عصر حاضر با رویکرد بازگشت به قرآن باشد عصری شده است. (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ۶۴۲؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۵۹-۴۶۸). این تفسیر رویکرد نویی را به تفسیر قرآن باز کرد. (شریف، ۱۴۰۲، ص ۵۲). و به نوعی مواجهه گسترده با فرهنگ غرب بوده است که به شیوه مستقیم و غیرمستقیم بر ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه اسلامی و روشنفکران اثر نهاده است. برخی نیز (سید جمال الدین اسدآبادی و عبده) با بازگشت به قرآن به انقلاب اصلاحی فراگیر روی آوردند. عبده از یک سو با نواندیشی‌هایی در تفسیر به تهذیب تفسیر از تفصیل مباحثی روی آورد که آیات شریف درباره آن‌ها سکوت کرده‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۸۲-۴۸۴). پس از عبده، هم جریان نواندیشی در تفسیر با اقبال گروهی از مفسران روبه رو شد و هم تفسیر علمی (جوهر القرآن) گسترش یافت. سپس مصطفی محمود، طبیب و ادیب مصری به عصری شدن تفسیر تمایل نشان داد. عمده‌گرایش مصطفی محمود به تفسیر آیاتی در پرتو دستاوردهای علوم تجربی به وجود حرکت در همه ذرات عالم هستی (۸۸ نمل)؛ به کروی بودن زمین (۵ زمر)؛ و استنباط بیضوی بودن (۳۰ نازعات)، بوده است (مصطفی محمود، ۱۹۷۹م، ۱۵۶). امروزه مسائل پیچیده حیات و بن‌بست‌های فراوانی دامنگیر بشریت شده و افراد در پی آنند که پاسخ نیازهای خود را در قرآن پیدا کنند. «... تبیاناً لکل شیء...» (نحل/۸۹)؛ قید عموم، همه نسل‌ها و زمان‌ها را فرا می‌گیرد. از آنجایی که در بحث آسیب‌شناسی بررسی سه محور مبنا و روش و غایت (پیامدها)، لازم مینماید، اما بیشتر اختلافات در این تفاسیر در حوزه غایی و پیامدهای این نوع تفاسیر هست. لذا اکثریت اختلافات در این زمینه بر آن شد تا آسیب‌شناسی غایی نسبت به دو بخش قبلی (مبنا و روش) در اولویت باشد.

نکته مهم در بحث آسیب‌شناسی تفاسیر مختلف این هست که ممکن است تفاسیر مختلف از جهاتی با یکدیگر همگونی و اشتراکاتی داشته باشند و یا یک جریان تفسیری

و یا یک نوع تفسیر از جهتی اجتماعی باشد و از جهت دیگر علمی و یا عقلی و... باشد.^۱ بنابراین باید دقت علمی به کار گرفته شود و مباحث را از جهتی که به بحث مربوط است مورد بررسی قرار داد که در این مقاله هم به آن توجه شده است.

با نگاهی به مقالات و کتابهای موجود در این زمینه به این نکته رسیدیم که اکثراً به طور کلی به این مبحث (تفسیر عصری) پرداخته‌اند و یا به بررسی ویژگیهای این تفاسیر و شیوه‌های نوشتن و تاریخچه این تفاسیر پرداخته‌اند. تا حالا کسی به بحث آسیب‌شناسی غایی این تفاسیر نپرداخته و از آنجایی که این مبحث جدید هست و رعایت نکردن آن آثار زیان‌باری در علم تفسیر و به تبع آن در زندگی مردم ایجاد می‌کند، نیاز به بررسی بیشتر هست تا تلاشی اندک در جهت بهبود آن فراهم آید و در حد سوی چراغی روشن‌گر این مسیر برای تشنگان معارف الهی باشد و با زدودن این آفات از چهره این تفاسیر (در حد توان)، مفسر بتواند به تفسیر عصری معتدل و مطابق نظر قرآن برسد.

اختلافات تفسیر عصری بخاطر نداشتن «مبنایی» ثابت هست. برخی مبانی را همان روش می‌دانند (امید زنجانی، ۱۳۷۳، ۷). خلط این اصطلاحات در شکل‌گیری جریان نادرست تاثیرگذار هست و با جمود فکری نیازهای روز و پیامهای قرآن را نادیده گرفته می‌شوند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۶۱). در مقابل، کسانی هستند که به تفسیر مادی‌گرایانه آیات پرداخته‌اند و در مقابل فشار شبهات، تاب نیاورده، خواسته‌اند هر گذاره غیبی یا پدیده غیر قابل تفسیر مادی را با تأویلات غیر منطقی و خودسرانه توجیه کنند و با این کار، خودباختگی رسواکننده‌ای از خود نشان داده و مصداق کامل «تفسیر به رأی» را انجام داده‌اند. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۶۱) (مانند تفسیر میکروب به جن یا ابابیل به مرض آبله یا تفسیر ناصحیح فرشتگان، معجزات پیامبران و...). بنابراین این گونه مثالها و تفاسیر

۱. مانند تفسیر علمی و اجتماعی و... که باعث شده افرادی آنها را باهم خلط کنند. در حالیکه اگر با دقت بنگریم تفسیر عصری بحثی گسترده تراز علمی و اجتماعی و... هست و یک نوع نگرش و رویکرد خاص عصری به تفسیر هست. حال ممکن هست این نگاه عصری گونه در موضوعات اجتماعی باشد یا علمی و یا هر بحث دیگر. نتیجه آنکه تفسیر عصری که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، فراتر و گسترده تراز سایر تفاسیر نامبرده است.

انحرافی در تفسیر عصری برآن شد تا به بررسی این مسئله روی آوریم. بحث از آسیب شناسی یعنی معرفی ضعفهایی است که جریان صحیح عصری را دچار انحراف و افراط و تفریط کند. این آسیبها بیشتر در تفاسیری رخ میدهد که دیدگاه مادیگرایانه یا افراط و تفریط و دور از واقعیت و هدف قرآن دارند. این آسیبها در سه بخش آسیبهای مبنایی و روشی و غایی (پیامد منفی) قابل بررسی هستند. از آنجایی که عمده اختلافات در بخش آسیبهای غایی و پیامدهای منفی هست به بررسی این مورد می پردازیم.

۱- آسیبهای غایی و پیامدهای منفی تفسیر عصری

تفسیر عصری، با شعار نواندیشی مسائل روز در جستجوی اصلاح قوانین اجتماعی و همخوانی با شرایط عصری است؛ اما گاهی بیش از حد اقناع حال مخاطب در نظر گرفته و از منظور الهی دور شده بنابراین اگر اقتضای عصر (شرقای، ۱۹۷۶، ۱۰؛ ابراهیم، بیتا، ۳۴؛ آملی، ۱۳۷۸، ۱، ۲۳۹) پاسخگویی به خواست‌های جامعه (ایازی، ۱۳۷۸، ۲۹، ۱۸۲، ۱۸۵) و حال مخاطب (ابراهیم، بیتا، ۳۴، ۴۵؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۲، ۴۵۹) رعایت شود آسیبی متحمل تفسیر عصری نمی شود.

۱-۱- تقدس‌زدایی: تقدس‌زدایی در مباحث هرمنوتیک قابل مشاهده است. عقل‌گرایی افراطی و هرمنوتیکی آنچنان تفسیر عصری را تحت تحلیل طبیعت‌گرایانه خود گرفتند که روابط معنوی را به فراموشی سپردند و تفسیر را دستمایه دانش عصری خود خود کردند. می‌گویند این ما هستیم که به سراغ تفسیر می‌رویم و حدس و تئوریهای علمی بر قرآن تحمیل می‌کنیم. این نوع نظریات بر پایه الگوی پوپری و نظریه کانت هست (سروش، ۱۳۷۳، ص ۳۲ و ۲۷۳ و ۷۹ و ۸۰ و ۹۹ و ۱۰۰). تقدس‌زدایی از اعمال مذهبی و عبادی مثل اثرات ورزشی و بدن‌سازی با نماز (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۲۶) که با نص صریح قرآن «اقم الصلاة لذكركم..» (طه/۱۴) و روح عبودیت اختلاف دارد. نمونه‌های بسیاری در کتابهای طبی وجود دارد. کتبی که حکمتهای عبادات و نماز و روزه و وضو را سلامت جسمانی شخص میدانند که به هیچ عنوان با روح متعالی قرآن و عبادت متناسب نیستند. (جمیلی، بیتا، ص ۲۰۵-۲۱۷؛ نوفل، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۵-۱۸۹).

ذکر نمونه: الف) گسترش جهان: گسترش جهان با توجه به آیه ۴۷ ذاریات دور شدن کهکشانها از یکدیگر (الجمیلی، ۲۰۰۰، ص ۶۰-۶۴) و انبساط جهان تفسیر کرده‌اند (بوکایی، ۱۳۵۷، ص ۳۲۵ و ۳۲۶) و آن را حقیقتی ثابت می‌دانند (الفیومی، ۱۴۲۴، ص ۶۹؛ الجمیلی، ۲۰۰۰، ص ۷۰؛ بوکایی، ۱۳۵۷، ص ۲۲۵). در دیدگاه معرفت دو تفسیر اصلی (گسترش جهان) و مجازی (توسعه در رزق) به چشم می‌خورد (معرفت، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۱-۱۱۴).

بررسی: اصل بحث این آیه توجه به معنویت، قدرت در روزی و خلقت است (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۲۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۸۱؛ سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۲۷؛ ذحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۷، ص ۴۲) لذا تقدس‌زدایی از صفت معنوی الهی (قدرت و روزی) با هدف هدایتی ناسازگار است. این آیه ردیه بر سخن یهودیان (استراحت پس از خلقت) است (مراغی، بیتا، ج ۲۷، ص ۹) که قدرت او نامحدود است.

ب) ولادت عیسی علیه السلام: چون حالات حضرت مریم مثل زنان وضع حمل بوده و نسب حضرت عیسی علیه السلام از داود علیه السلام به ابراهیم علیه السلام می‌رسد و یوسف هم پدرش، معجزه‌ای نشده (احمدخان هندی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۲۰-۲۲). بررسی: فاصله زمانی حضرت یوسف تا تولد عیسی علیه السلام چند قرن بود و یوسف و یعقوب غیر از پیامبران بنی اسرائیل بوده، همچنین خداوند به حالت دختری (آل عمران/۴۷)، به مریم فرزند داد (طبرسی، ۱۳۷۳، ص ۷۵/۴) و جواب فرشته در تعجب مریم علیه السلام که خدا هر طور بخواهد می‌آفریند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ص ۷۸/۲) این معجزه را اثبات می‌کند. مرحوم هندی با تطبیق آیه با دیدگاه‌های علمی دست به طبیعی‌انگاری معجزه زده است.

آنچه از چهره قرآن قداست‌زدایی می‌کند تفسیر عالمانه آن نیست، بلکه تفسیر خودخواهانه و افراطی از جمله تشبیهات عوالم معنوی به موارد مادی است.

۱-۲- تاویل‌گرایی مادی: اموری از جمله؛ فاصله از هدف نزول (هدایت) با گرایشهای سلیقه‌ای (علمی)، عدم پایبندی به قواعد تفسیر، ناآگاهی به مباحث روز و مخالفت با سیاق و روح قرآنی باعث افراطی‌گری در تفسیر عصری می‌شود (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵) نمونه‌هایی در ادامه بیان می‌شوند.

الف) نمونه اول: دمنهوری «سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ...» (انبیا/۷۹) را به معادن مکشوف در

کوهها تفسیر می‌کند و «طیر» را موجود سریع السیر مثل هواپیما و قطار و.. تاویل مادیگرایانه می‌کند (عک، ۱۴۲۸، ۲۵۸). شحرور هم با روشی تاریخی علمی قرائت‌های متفاوت با قرآن و تفسیر ارائه می‌دهد (شحرور، ۱۹۹۶، ص ۴۵). شحرور قرآن را دارای دو عنصر ثابت (اصل آن) و متغییر (تفاسیر عصری) می‌داند. آیات از جانب خدا یک معنی و از دید انسانی رنگ نسبت دارند؛ مثل آیات اجتماعی و اقتصادی و حقوق زن و.. (شواف، ۱۹۹۳، ۲۹).

الف) نمونه دوم: «تَرَى الْجِبَالَ...» (نمل/۸۸) بر حرکت زمین تفسیر کردند (ابوحجر، ۱۴۱۱، ص ۲۲۱-۲۲۳) در حالیکه با توجه آیه قبل این آیه مربوط به قیامت و نفخ صور است.

ب) نمونه سوم: به نظر احمدخان محال است حقیقت چیزهای ماورای حس با کلمات بیان شود، حتی اگر جزو کلام الهی باشد (ذهبی، ۱۴۰۹، ۲، ۵۱۴). احمدخان، شکافته شدن دریا را جزو مدّ تعبیر کرده (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۱۳۲-۱۱۰) جاری شدن آب از عصای موسی به چشمه سارها (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۱، ۱۵۰) حجر را به کوهستان گرفته است. یوسف نجار را پدر حضرت عیسی می‌داند، و «لَمْ يَمْسَسْنِي» (آل عمران/۴۷؛ مریم/۲۰) را پیش از درآمیختن یوسف با وی گفته (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۳۵-۱) همچنین سخن گفتن عیسی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۴۲) نزول مائده آسمانی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۲۲۰) شفای بیماران و احیای موتی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۱۷) و عروج آن حضرت و زنده ماندنش را انکار می‌کند (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج ۳، ۴۸). اینها را متأثر از یهودیان و مسیحیان می‌داند (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۱۵۱). در برخورد با این تفاسیر باید آنها را شناخته و جوانب احتیاط رعایت کنیم.

۱-۳- نسبی گرایی (تکثرگرایی): این دیدگاه باعث هرج و مرج تفسیر و دستیابی به مقصود گوینده می‌شود. نگرش فلاسفه غرب در مسائل متافیزیکی (علیت، وجود خداوند، نفس، جبر) تعطیل و سکوت فکری است و بدین لحاظ کثرت‌گرایی معرفتی و معرفت نسبی اتفاق می‌افتد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ۳۹۹). تکثرگرایی با روشنفکران مسلمان به اسلام راه یافت (مطهری، ۱۳۹۹، ۲۹۶-۳۰۰)؛ مباحثی همچون «صراط‌های مستقیم»^۱ «انقلاب کپرنیکی

۱. کثرت‌گرایان از نکره بودن صراط (۴۳ زخرف، ۴ یس و ۲ فتح). تعدد آن را برداشت کرده (پلورالیسم دینی).

در حالی‌که این یعنی دینی که ایستاده و دیگران را برپا می‌دارد (اعراف/۸۶ و انعام/۱۶۱) (المیزان، ج ۱،

۳۱-۳۲، ج ۸، ۱۸۸، راهنما، ۶، ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ۴، ۶۸۸-۶۸۹)

در کلام» (عبداللهیان، ۱۳۸۹، ۱۷، ۱۷۰)، «تعدد قرائت‌ها از دین» (بازتاب اندیشه، ۲۱، ۲۶)، «قبض و بسط تئوریک» و «به رسمیت شناختن اهل کتاب» (عبداللهیان، ۱۳۸۹، ۱۷، ۱۷۶) در ترویج همین اندیشه است.

مستندات تکثرگرایی: ۱. پلورالیسم دینی را خواست خدا دانسته (بقره/۱۴۸؛ مائده/۴۸؛ هود/۱۱۸؛ روم/۳۲؛ شوری/۸) ۲. آمیختگی حق و باطل: با استناد به آیه ۱۷ رعد پنداشته‌اند اصحاب هر فرقه می‌توانند بر طریقه خاص خود بمانند و این آمیختگی حق و باطل مبنای پلورالیسم است. حق خالص در جهان نیست و مذاهب آمیخته حق و باطل اند و طبق آیه ۱۲۴ نحل دینداری را آبی کف‌آلود تا قیامت می‌دانند (سروش، ۱۳۷۸، ۳۸) ۳. تجلی هدایتگری خدا: هادی بودن خدا مستلزم هدایت‌مندی مردم است (سروش، ۱۳۷۸، ۳۳-۳۶) در حالیکه هدایت‌مندی مردم را مقتضای هادی بودن خدا مدعایی بی دلیل است، چنان که مقتضای هادی بودن خدا این نیست که همگان را به صراط مستقیم هدایت کند (انعام، ۱۱۶؛ سبأ، ۱۳؛ بقره، ۲۴۳؛ سجده، ۹؛ هود، ۱۷ و ۴۰؛ انسان، ۳؛ کهف، ۲۹) ۴. اسلام اهل کتاب: کثرت گرایان با استناد به آیات ۱۲۸ بقره؛ ۱۹ و ۸۵ آل عمران و ۸۴ یونس، «اسلام» را درباره ادیان پیشین می‌دانند. آنان گاه به گفته علامه طباطبایی که اسلام را تسلیم دانسته یا به حدیث «الإسلام هو التسليم» (رضی، ۱۳۸۷، حکمت ۱۲۵) تمسک کرده‌اند (سروش، ۱۳۷۸، ۳۲)

این دیدگاه در تفاسیر عصری به عنوان دیدگاه هرمنوتیکی مطرح می‌شود. سروش تکثر معنایی را از این جهت می‌داند که در برداشتهای مختلف تفسیری، یکی از تفسیرها مراد خداوند هست اما اینکه کدام مشخص نیست! به دلیل تاثیر ذهنیتها بر آن (امامی، ۱۴۰۱، ۱۸۱-۱۸۶) و اینکه در عالم معنا مخاطب و گوینده معلوم نمی‌شود، لذا سخن او سخن خداست و ایشان را شخصی آشفته معرفی می‌کند که بخاطر بازیگری خوب ادعا می‌کند که فرشته بر او نازل شده (شبستری، قرائت نبوی از جهان ۲).

نقد: اینگونه تحلیل‌های ناروا به پیامبر و قرآن از ساحت ملکوتیشان به دور است. اگر اینگونه که شبستری می‌گوید، پس قرآن در هیچ‌کدام از کتابهای اسلامی منبع درستی نیست. حال آنکه در تمام کتابهای مسلمانان قرآن به عنوان نقطه ثقل و اعتماد دیدگاهها هست.

نصر حامد ابوزید سحر و حسد را ساختار ذهنی - غیر حقیقی می‌داند (ابوزید، ۱۳۸۳، ۲۸۰ و ۲۸۱). کلمات متأثر از فرهنگ‌های عصری هست (مثل لیبرال که در گذشته معنی منفی و امروزه یعنی تعصب و مدارا).^۱ واژگان دیوانه و مجنون در زوال عقل باعث فاعلیت جن می‌شود.

نقد ۲: ابوزید قرآن را لفظ می‌داند مخالف صریح قرآن است (واقعه ۷۸-۸۰؛ بروج ۲۲ و ۲۱؛ زخرف ۴ و ۳). از طرف دیگر پیوند قرآن با فرهنگ باعث دلیلی بر پیروی قرآن از باطل نیست (فصلت/۴۲).

۱-۴- رویکرد تاویلی: طبق این رویکرد، قرآن تاریخی است نه اعتقادی. مشکل اصلی این دیدگاه در نگاه به وحی است. به تقلید اصلاح‌گران غربی طرح اصلاح دین دنبال کند. همه حقایق را با تجربه اثبات و با اقتضائات فرهنگ عصر به تاویل می‌برد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ۳۵۸).

زبان قرآن واقع‌گویی است (اسراء/۱۰۵). آیات مناسب عصر پیامبر ﷺ بوده اگر ما تفسیر را در عصر حاضر نمی‌توانیم تطبیق دهیم، بخاطر اینکه دورانش تمام شده (سروش) نقد: مگر آیات اشیاست که تاریخ انقضایش تمام شود؟ ثانیاً قداست معنوی چه می‌شود؟ در نظر گرفتن جوانب علمی و مذهبی در نظریه راهگشا خواهد بود.

نمونه‌ها: الف) معاشرت با بردگان: با از میان رفتن نظام اجتماعی - اقتصادی برده‌داری، روشن است که آن احکام ملغاً شده مگر استشهاد تاریخی باشد. نظیر همین نگرش از یکی از نویسندگان دیگر (جبری) درباره ارث دختران و متعه نقل شده که گفته اینها مطابق وضع تاریخی - قبیلگی باعث است و نه برای همه محیط‌ها (عبدالرحمن، ۱۹۹۳، ۲۰۷، ۲۲۳ و ۲۲۸). ب) ربا: قرآن ربای فرهنگ جاهلی تحریم کرده و این اشاره‌ای بانکداری رایج امروزی ندارد. ج) سحر، جن، شیطان، نشان مفهومی ذهنی در فرهنگ عربی است نه عینیت واقعی (ابوزید، ۱۳۸۵، ۲۱۰، ۲۱۳ و ۲۱۵)

بررسی: احدی از علمای حتی عارفان و باطن‌گراها نیز زبان واقع‌گرای قرآن را نفی

۱. زبان امری ثابت نیست و همگام با فرهنگ و واقعیت دگرگون می‌شود. (ابوزید، ۱۳۸۵، ۱۹۸)

نمی‌کنند. بنابراین هیچکدام از موارد ذکر شده در قرآن تغییر واقعیت نمی‌دهد (اسراء، ۱۰۵) بلکه در عصرهای مختلف مفهومش فرق می‌کند.

۱-۵- رویکرد تفسیر به رأی: انتساب سخنی به خداوند بدون علم نهی شده است. پیامبر ﷺ: «من قال فی القرآن برأیه فأصاب فقد أخطأ» (ابوداود، ۱۴۲۰ق، ج ۱، کتاب العلم). تفسیر به رأی در هر شرایطی قابل قبول نیست زیرا تفسیر به رأی اجتهاد نیست؛ بلکه همان تکروی و تحمیل رأی بر قرآن است. مفسران عصری گاهی بر اثر تبلیغات الحادی به تفسیر مادی پرداخته و هر گزاره غیبی با تأویلات خودرأی توجیه می‌کنند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۶۰). و دو مسیر را دنبال کرده‌اند؛ یا آیات را به تاویل مادی می‌برند و یا غیرعقلانی تفسیر می‌کردند دلیل آنها هم انطباق با شرایط کنونی است.

نمونه اول: در مسأله قوامیت مرد معتقد به جنبه‌های عاطفی و قدرت بدنی هستند و زنان چون موقعیت ممارست در آموزش و پرورش نداشتند عقب می‌مانند. اگر برتری مردان دائمی باشد، پس تفضیل یهود هم دائمی است (ایازی، ۱۳۷۸، ۱۵۹ و ۱۶۰).

بررسی: این‌گونه تحلیل‌ها قیاس مع الفارق است. ساختار زن و مرد طبیعی و نه تحمیلی است (حج/۷۸) ریشه در آفرینش و با تربیت متحول نمی‌شود («لاتبدیل لخلق الله...» روم/۳۰). شهادت زنان با توجه به مشارکت در جامعه جای تجدیدنظر دارد. با اشاره به احکام حقیقیه و خارجیّه، شهادت زنان از احکام خارجیّه و قابل تجدید نظر است. اختلافات در این زمینه در فهم مفسران است نه در آیات.

نمونه دوم: درباره سارق و زانی این‌گونه بیان میدارند که باید در حکم قطع و جلد تجدیدنظر نمود و آن را استحبابی گرفت نه الزامی! (اعراف/۳۱) رعایت این توصیه ضرورتی ندارد. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۸۷-۳۸۸) از جمله این افراد شحرور هست که معتقد است قطع دست دزد بی ارزش است و منطبق با دادگاههای امروزی نیست (رجب‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱ و ۲۸۲).

بررسی: در مورد آیه بعد (اعراف/۳۱) که قیاس شده، هم استثناهایی وجود دارد (اینکه فقط در روز عید باشد. و یا خلیفها منظور از زینت را لباس تعبیر می‌کنند) و اینکه نوع احکامش با این آیه فرق دارد. قیاس آن یک کار اشتباه هست. در مورد قطع دست سارق

روایات فراوانی بیان شده که قابل اقاماض نیست. اینکه مبنا و اصول این نظر که احکام در دوران مختلف فرق می‌کنند چیست؟ در حالیکه قطع دست سارق همیشه و همه جا یک مبنای ثابت هست و در روایات هم بیان شده. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۷؛ ص ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۳۱) فعل امری هست و پیامبر هم به آن عمل کرده بنابراین اصل حکم صحیح اما مصادیق آن متفاوت است.

نکته: برای برون رفت از این آسیب جدی رجوع به روایات و دلیل قطعی راهگشا خواهد بود (ابن تیمیه، بینا، ۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۲، ۳۸۱).

۶-۱- **رویکرد التقاطی:** مفسران از گفته‌های پیشینیان مکتبی فلسفی می‌سازند (فارسی، ۱۳۷۴، ۱۰۵؛ فروغی، ۱۳۶۰، ۱، ۷۹) مثل توجیه معجزه عبور موسی و قومش از رود نیل (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ۱، ۳۱۴-۳۱۵). این جریان قرآن را به مکتبی مادی درآوردند (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۵۸). ذکر نمونه: مفسران غیب را نادیدنی (بقره/۲) دانسته‌اند؛ اما در تفکر التقاطی، غیب معهود و شناخته شده مراحل ابتدایی انقلاب توحیدی است (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۶۵) آنان برای تحقق ایمان خود آن پیوستگی را که در زبان مذاهب «نماز» خوانده می‌شود برپا می‌دارند (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۶۶). در تفکر التقاطی، «دنیا» نظام سرمایه‌داری و «آخرت» نظام عادلانه و «خلود» یعنی فرد برای تکامل فانی گردد (ابوالحسنی، ۱۳۶۲، ۴۲۵-۴۲۷). این تفکرات بی‌اصل در برخی تفاسیر عصری تاثیر گذاشته است.

۷-۱- **توجه به بخشی از وجود:** تفاسیری که نیازهای اصیل نادیده می‌گیرد ناقص است؛ زیرا در قرآن مادیات هم ضروری است (انعام، ۳۲). «دنیا برای عبرت بینی و نه نگرستن است» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۸۲). در برخی تفاسیر عصری فقط به بخش جسمانی توجه شده است.

ذکر نمونه: ۱- نفی مجسم شدن فرشته برای حضرت مریم: برخی آن را تخیلی می‌دانند. دیدن خوابها یا شنیدن آوازهایی بدون گوینده به مقتضیات فطرت وقوع می‌یابد (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج ۲، ۳۴). سپس با صراحت به بی‌پدری عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته: «فاء تعقیب» در «فحملته..» (مریم/۲۲) به معنی فوراً آبستن شد و «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ..» (مریم/۲۳) به معنی درد زائیدن و اتصال زمانی مستنبط نمی‌شود. ز حرف «فاء» نمی‌آید که به مجرد این مذاکره

حضرت مریم حامله شده بلکه مدتی بعد حامله شد. هنگام گفتگو، بشری مریم را لمس نکرده و بعد آن برحسب فطرت از شوهرش یوسف حمل برداشت (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج ۲، ۴۱). گویی مفسر در «... اعوذ بالرحمن..» (مریم/۱۸) چندان تدبیری نداشته‌اند. این آیه بیان می‌دارد پس از آنکه فرشته در محراب برای حضرت مریم تمثّل می‌یابد و باعث وحشت ایشان می‌شود و سپس از این امر که دست بشری او را لمس نکرده است تعجب می‌کند. نمونه دیگر، توجیه مادی تکلم عیسی علیه السلام در مهد است. سیداحمدخان ذیل آیه (آل عمران، ۴۶) به نفی تکلم عیسی علیه السلام می‌پردازد و آن را به نوجوانی (دوازده سالگی) نسبت می‌دهد به نحوی که علمای یهود بر علیه اعتقادات عیسی علیه السلام زبان به اعتراض می‌گشایند (احمدخان...، ۱۴۳۴، ۱۹۴/۲).

بررسی: پس از تولد عیسی علیه السلام مریم علیه السلام ایشان را میان مردم می‌آورد و مردم حیرت‌زده طعنه می‌زنند، مریم به عیسی علیه السلام ارجاع می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳/۳۴۵) لذا هدف تبرئه مادرش از تهمت‌های مردم است (مغنیه، ۱۴۲۵، ۷۰). برخی در مواردی که آیه هدف معنوی دارد تفسیر مادیگونه و در مواردی که هدفی مادی (واضح) دارد، تفسیری باطنی می‌کنند. این توجه تک بعدی به وجود انسان اشکالی اساسی و فراوان در این تفاسیر است.

۸-۱- رویکرد علم‌زدگی: باشعار بازتاب فرهنگ زمانه احکام مخالف با نگرش جدید را بازتاب دوران قدیم و قابل تطبیق دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۶۱) البته این نکته فراموش نشود که علم به خودی خود سودمند هست اما وقتی از حد و حدودهای قرآنی فراتر می‌رود، کفرگویی می‌شود که نه مورد تایید قرآن هست و نه عقل و منطق.

ذکر نمونه: برخی (عبده، رشیدرضا) قایل به عدم روئیت جن آن را خطای ادراک می‌دانند (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲، ۵۸۴ و ۵۸۵). جن را جاننداری پنهان (بقره/۲۷۵) از جمله میکروب می‌دانند (رضا، ۱۴۱۴، ۳، ۹۶)

بررسی: برخی آیات به خاطر زیبایی‌های بلاغی با کنایه بیان شده اما کلمات متافیزیکی توجیه فیزیکی کردن، مبالغه غیرمنطقی است.

نمونه دوم: ستون آسمانها: مفسران گذشته معتقد به ستونهای نامرئی آسمان (رعد/۲؛ لقمان/۱۰) و مفسران جدید معتقد به عدم ستون آسمان هستند؛ چون اگر موجود باشد، حجم زیادی اشغال می‌کند و نمی‌تواند نامرئی باشد. اما براساس کیهان‌شناسی (کروی بودن آسمان) نیازی به ستون نیست. در قرن دهم گالیله و نیوتن معتقد به عدم وجود آسمان (بلکه برخورد نور با جو زمین) هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ۲۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۴۲۱)

اما با توجه به روایات ستون‌های آسمان وجود دارند اما نامرئی‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ۱۱۲۱)

نمونه سوم: موضوع بعدی فجر و نفخ صور است. فجر (فجر/۱-۳) انفجار اولی و «لیالی العشر» مراحل دهگانه ماده که منجر به نور می‌شود و «الشَّفَعِ وَالْوُتْرِ» هیدروژن (اولین عنصر) است. «خلق» کاری مسبوق به سابق و «ابداع» بی سابقه است، لذا آفرینش آسمان و زمین برپایه ابداع بوده که یکباره با انفجار جدا شدند (فاطر/۱) (رجب‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸). نقد: این نوع تفسیر متأثر از دیدگاه‌های غربی (بینگ بنگ) است. آسمان قبلاً به صورت (دخان) بوده (فصلت/۱۱ و ۱۲) سپس گشوده شد (قمر/۱۱) تا باران نازل شود. زمین از خاکستر باقی‌مانده انفجار پدید شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ۲۲ و ۹). پس زمین و آسمان از نیستی نیامده و نام ابداع برای آن درست نیست.

بررسی: برای پیاده‌سازی تفسیر عصری در جامعه باید مسائل روز جامعه را به عصر پیامبر ببریم تا عمق مطلب را درک کنیم و برای انطباق با مباحث عصری آن را در قالب مباحث جدید (موافق قرآن) بریزیم. هدف از این آیات افزایش ایمان و در خدمت گرفتن علم برای افزایش ایمان هست (نمر، ۱۴۰۵، ۱۴۹). مانند رشد جنین که هدف اتصال علم به ایمان و قدرت خلق انسان است. اگر گاهی ضعفی در تفاسیر می‌بینیم از نوع فهم بشری هست نه از خود قرآن. از طرفی نیز اینگونه تحلیلهای غربی و علمی (نادرست)، مخالف روایات اهل بیت علیهم‌السلام است.

نتیجه

تفسیر عصری به مانند دیگر گونه‌های تفسیر در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارد. شناسایی این آسیب‌ها براغی رسیدن به معارف اصیل و عصری ضروری است. آسیب‌های غایی تفسیر عصری که در این نوشتار بررسی شده براساس آیات و روایات مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

تقدس‌زدایی نخستین آسیب است. کوشش افراطی جهت ارایه خوانشی مورد پسند مخاطب - که نوعاً متأثر از علم زدگی است - سبب کم توجهی به بعد هدایتی قرآن به عنوان هدف اساسی آن می‌گردد. و این همه در حالی است که تهی شدن آموزه‌های قرآنی از این هدف اساسی قداست این متن و الا را مخدوش می‌نماید. تاویل نادرست نیز دومین آسیب قابل ذکر است. بی توجهی به سیاق آیات و روح کلی تعالیم قرآنی و نیز جهت گیری کلی آن و قطعی دانستن یافته‌ای علمی زمینه ورود این آسیب را فراهم می‌نماید. تفسیر به رای نیز به عنوان آسیب دیگر در این تفاسیر شایان توجه است و به دلیل توجه بیش از حد به بعد مادی دچار انحرافات مادی می‌شود. آن چه که در این زمینه گفته شد به معنای فقدان اعتبار تفسیر عصری نیست بلکه در مسیر پاسداری و صیانت از معارف و الای حاصل از تفسیر عصری است. توجه به ضوابط اصیل بیان شده در تفسیر به ویژه پایبندی به میراث ژرف برجای مانده از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه بسی ضروری و بسیار کارگشا است.

منابع

- قرآن کریم
 ابراهیم، محمد اسماعیل، (بیتا)، قرآن و اعجازالعلمی، دارالفکر
 ابن تیمیه (بیتا)، مقدمه فی اصول التفسیر، به کوشش محمود نصار، قاهره، مکتبه التراث
 ابوالحسنی، علی، (۱۳۶۲)، مطهری افشاگر توطئه...، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲
 ابو حجر، احمد عمر، (۱۴۱۱ق)، التفسیرالعلمی فی المیزان، دمشق، دار قتیبه، چاپ ۱
 ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، سنن ابی داود، شرح: سید محمدسید، قاهره: دارالحدیث، چاپ ۱
 ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۳)، نقد گفتمان دینی، ترجمه: حسن یوسفی، نشر یادآوران

- ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۵)، **نقد الخطاب الدینی**، قم، دارالحدیث
- ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۰ ش)، **معنای متن**، ترجمه: کریمی نیا، تهران، طرح نو
- احمد خان هندی، سرسید، (۱۳۳۴ ش)، **تفسیر القرآن هو الهدی والفرقان**، ترجمه: محمد تقی داعی گیلانی، تهران، نشر علمی
- امامی، حسین، (۱۴۰۱)، **تفسیر سنتی و هرمنوتیک جدید**، تهران، نقد فرهنگ، چاپ ۱
- ایازی، سید محمد علی، (۱۳۷۸)، **قرآن و تفسیر عصری**، تهران، فرهنگ اسلامی، چاپ ۲
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵)، **البرهان**، محقق: بنیاد بعثت، البعثه، قم، چاپ ۱
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۹۸)، **القرآن والتفسیر المعصری**، القاهرة، دارالمعارف
- بوکایی، موریس (۱۳۵۷)، **عهدین قرآن و علم**، مترجم: حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد، چاپ ۱
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، **پیرامون انقلاب اسلامی**، تهران، صدرا
- جمیلی، السید، (بی‌تا)، **اعجاز الطبی**، بغداد: مکتبه التحریر
- الجمیلی، السید (۲۰۰۰)، **الاعجاز العلمی فی القرآن**، بیروت، بی نا
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، **تسنیم**، قم، اسراء
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، **تفسیر نور الثقلین**، اسماعیلیان، قم، چاپ ۴
- خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۶۴ ش)، **تفسیر و تفاسیر جدید**، تهران، کیهان
- خولی، امین، (۱۹۶۱ م)، **مناهج التجدید فی النحو والبلاغه و...** بیجا، قاهره، دارالمعرفه، چاپ ۱
- ذهبی، محمد حسین، (۱۴۰۹ ق)، **التفسیر والمفسرون**، قاهره، مکتبه وهبه
- رجب زاده، شیرین، (۱۴۰۱)، **تفسیر عصری** (بررسی نظریه شحرور)، بوستان کتاب، چاپ ۱
- رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ ق)، **تفسیر القرآن الحکیم** (المنار)، بیروت: دارالمعرفه، چاپ ۱
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۱)، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، رشت: کتاب مبین
- رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷)، **نهج البلاغه**، ترجمه: محمد دشتی، قم، الهادی، چاپ ۳۲
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، **التفسیر المنیر**، دارالفکر، دمشق، چاپ ۲
- زرقانی، عبدالعظیم، (۱۳۸۵ ش)، **مناهل العرفان**، مترجم: آرمین، محسن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ ۱
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹)، **الارشاد الاذهان**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ ۱
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۳)، **قبض و بسط**، تئوریک شریعت، تهران: صراط
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، **صراطهای مستقیم**، نشر صراط، چاپ ۲
- سعفان، کامل علی، (۱۹۸۱ م)، **المنهج البیانی فی تفسیر القرآن**، مصر، مکتبه الانجیل
- سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۸۳)، **تحلیل زبان قرآن**، تهران: نشر حوزه و دانشگاه، چاپ ۱
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ ه. ق)، **الإتقان فی علوم القرآن**، محقق: زمزلی، فواز احمد، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ ۲

- شحرور، محمد، (۱۹۹۶ م)، کتاب و القرآن قراءة معاصره، بیروت، شركة المطبوعات شرقاوی، عفت، (۱۹۷۶ م)، الفكر الديني في مواجهة العصر، مكتبة الشباب شریف رضی، محمد بن حسین، (بی‌تا)، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، دارالهجره شریف، محمد ابراهیم، (۱۴۰۲ ق)، اتجاهات التجديد، القاهرة، دارالتراث شواف، منیر محمد طاهر، (۱۹۹۳ م)، تهافت القراءة المعاصره، الشواف طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰)، المیزان، مؤسسة الأعلمي، بیروت، چاپ ۲ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان، مصحح: طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، ناصر خسرو، چاپ ۳
- عبدالحمید، محسن، (۱۳۹۴ ق، ۱۹۷۴ م)، الرازی مفسرا، بغداد، دارالحرية للطباعة عبدالرحمن، عبدالهادی، (۱۹۹۳ ق)، سلطة النص، بیروت، دارالنشر عبداللہیان، محمد، ۱۳۸۹، نشریه بینات، مؤسسه معارف امام رضا، ش ۱۷ عقاد، عباس، (۱۹۶۲ م)، الفلسفه القرآنیه، قاهره، دارالہلال عک، شیخ خالد عبد الرحمن، (۱۴۲۸ ق) اصول التفسیر و قواعدہ، بیروت: دارالنفائس، چاپ ۵ عک، شیخ خالد عبد الرحمن، (۱۴۱۶ ق)، الفرقان و القرآن، دمشق، الحكمة فارسی، جلال الدین، (۱۳۷۴ ش)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا، چاپ ۱ فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ هـ. ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ ۳
- فروغی، محمد علی، (۱۳۶۰ ش)، سیر حکمت در اروپا، تهران: زوار الفیومی، سعید صلاح (۱۴۲۴)، الاعجاز العلمی، مكتبة القدسی، القاهرة، چاپ اول قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ ۲ کلینی، محمد حسین، (۱۳۷۵)، الکافی، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۴)، نقدی بر قرائت رسمی دین، تهران: طرح نو، چاپ ۳ محمود، مصطفی، (۱۹۷۹ م)، القرآن محاولة لفهم عصری، بیروت، دارالعودة مراغی، احمد مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر المراغی، دار الفکر، بیروت، چاپ ۱ مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، مجموعه آثار ج ۱ (علل گرایش به مادیگری)، تهران: صدرا مطهری، مرتضی، (۱۳۹۹)، عدل الهی، نشر صدرا
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹ ش)، تفسیر و مفسران، التمهید، قم، چاپ ۱ معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۰)، التمهید في علوم القرآن، حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۳ مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۵ ق)، التفسیر المبین، دار الكتاب الإسلامي، قم، چاپ ۳ نمر، عبد المنعم، (۱۴۰۵)، علم التفسیر، قاهره، دارالکتب الاسلامی، چاپ ۱ نوفل، عبدالرزاق، (۱۴۰۴)، القرآن و العلم الحدیث، لبنان: دارالکتب العریبش